



موضوع این داستان گزارش یک مورد مرگ مادر است که از شروع مراقبت‌ها تا زمان فوت و نحوه مراقبت از مادر، چگونگی وقوع حادثه و عوامل تأثیر گذار بر آن شرح داده شده است. اطلاعات ارائه شده در این داستان با استفاده از محتویات پرونده و توضیحات افراد مراقبت کننده از مادر بوده است:

# داستانی واقعی و تلخ از مرگ یک مادر



دکتر نگین مشتاقی، کارشناس برنامه  
مادران دانشگاه علوم پزشکی اراک

## اهداف آموزشی

امید است خوانندگان محترم  
پس از مطالعه مقاله:

۱. با سناریوی مرگ مادر آشنا شوند.
۲. توصیه‌های مهم برای بهبود وضعیت و پیشگیری از موارد مشابه را به کار گیرند.

## شرح واقعه

وارد روستا که شدیم از اولین فردی که سوال کردیم، می‌دانست خانه زن جوانی که تازه فوت شده کجاست. وقتی وارد خانه شدیم دختر بچه ۴ ساله اولین کسی بود که به استقبال ما آمد. فکر می‌کرد ما از بیمارستان آمده‌ایم، سراغ مادرش را گرفت و در حالی که خواهر ۱۰ ساله اش دست او را گرفته بود و به زور از اتاق بیرون می‌برد، می‌گفت برای مادرم دعا کنید زودتر به خانه برگردد. گویی هنوز نفهمیده بود یا نمی‌خواست بفهمد برای چه همه سیاه پوش شده‌اند.

مریم ۳۹ سال داشت از خانه بهداشت کاندوم می‌گرفت. چند روز عقب انداخته بود، طبق معمول برای گرفتن کاندوم به خانه بهداشت رفت و کاندوم را گرفت. بهورز از او چیزی پرسید او هم چیزی نگفت. وقتی شک وی به بارداری بیشتر شد به مطب پزشک رفت آزمایش بارداری داد جواب آن مثبت بود، بهورز برای او فرم‌های مراقبت از بارداری را تهیه و تکمیل کرد؛ اما توجه نکرد خواهر و مادر مریم خانم سابقه دیابت دارند، در نتیجه در شرح حال پرونده او چیزی درج نشد و او در رده حاملگی‌های پرخطر قرار نگرفت. چون تاریخ اولین روز آخرین قاعدگی خود را نمی‌دانست، پزشک برای او درخواست سونوگرافی کرد. در سونوگرافی ۱۵ هفته بود. بعد از آن برای مراقبت بارداری به خانه بهداشت رفت درخواست یک سری آزمایش شد که آنها را انجام داد. آزمایش قند خون ناشتای او ۱۳۰ بود که فقط به او گفتند یک بار دیگر باید آن را تکرار کند چون به آزمایشگاه روستا اعتباری نیست! حدود دو ماه طول کشید تا بتواند به

شهر برود و یکبار دیگر آزمایش بدهد. جواب مانند دفعه قبل بود همان روز دچار تب و لرز شد. با برگه جواب آزمایش پیش پزشک مرکز رفت. پزشک توجهی به جواب آزمایش نکرد و برایش تب بر و آنتی‌بیوتیک نوشت. روز بعد حال مریم بدتر شده بود به خانه بهداشت رفت. بهورز گفت که سرماخوردگی است و چیز مهمی نیست. شب تبش بیشتر می‌شود، همسرش او را پاشویه می‌کند او ناگهان دچار درد شکمی شدید و حالت تهوع می‌شود. او را سریع به بیمارستان می‌رسانند. مریم خانم زایمان می‌کند و نوزاد پسر مرده بدنیا می‌آید. او را به ICU می‌برند در معاینه نشانه‌های عفونت کیسه صفرا مشاهده می‌شود او دچار خونریزی شدید و اختلال انعقادی شده است. مریم ۴۸ ساعت بعد از ورود به بیمارستان فوت می‌کند. پزشکان می‌گفتند علت التهاب کیسه صفرا، دیابت بارداری بوده که در طول بارداری تشخیص داده نشده است.

## با خود اندیشیدیم:

- اگر بهورز نحوه مصرف کاندوم را از او می‌پرسید و نحوه صحیح استفاده از قرص را به او آموزش می‌داد.
- اگر جواب آزمایش قند خون مادر توسط بهورز، ماما و پزشک با دقت بیشتری بررسی می‌شد.
- اگر نشانه‌های تب و لرز توسط بهورز، ماما و پزشک با حساسیت بیشتری مورد توجه قرار می‌گرفت.
- هم اکنون مریم خانم زنده بود و امروز در کنار فرزندانش زندگی می‌کرد.

نحوه امتیازدهی:

امتیاز - شماره مقاله  
مثال: اگر امتیاز شما  
۸۰ باشد: ۸۰ - ۹۱۱

به این موضوع امتیاز دهید (۱ تا ۱۰۰)

۹۱۲۳

کد این موضوع

SMS

۳۰۰۰۷۲۷۳۰۱۰۰۰۱